



تحلیل فیلم بورات به کارگردانی لری چارلز

## تهاجم به بشریت

محمود عبداللّهی

فیلم «بورات» به کارگردانی «لری چارلز» با بازی «ساشا بارون کوهن» محصول سال ۲۰۰۶ آمریکا است. این فیلم از جمله آثاری است که هالیوود با اهداف تهاجم و تخریب فرهنگی تولید و ارایه کرده و در آن فرهنگ و باورهای مردم قزاقستان به زیر سؤال رفته و در عوض از صهیونیسم حمایت شده است.

ساشا بارون کوهن که این فیلم بر اساس خصوصیات و شهرت او تولید شده، یک بازیگر یهودی انگلیسی‌تبار هالیوودی است. در پرداخت و نوشتن شخصیت اصلی فیلم در فیلمنامه یعنی بورات، کوهن نقش و سهم عمده‌ای داشته است. نمایش این فیلم با بازی ساشا بارون کوهن که به عنوان یک کم‌دین سینما و تلویزیون مشهور است، به خاطر صحنه‌های مستهجن، شوخی‌های بی‌دبانه و دیالوگ‌های بد و توهین‌به فرهنگ مردم قزاقستان یا اعتراض‌های بسیاری از جمله اعتراض و انتقاد مردم و دولت قزاقستان رویه‌ور شده است. مظلوم و متمدن نشان دادن یهودیان، عقب‌افتاده، خشن و بدوی نشان دادن فرهنگ مردم قزاقستان و دلخوش کردن تماشاگران به کسب درآمدهای هنگفت نامشروع از دیگر اهداف سازندگان این فیلم صدارزش و ضدفرهنگ است.

بررسی این فیلم به عنوان یک فیلم نمونه از میان آثار تخریبی هالیوود، خواننده را با اهداف و سیاست‌های گردانندگان یهودی هالیوود آشناتر کرده و اوج رذالت اخلاقی، دین‌ستیزی و جاهطلبی آن‌ها را نمایان‌تر می‌کند.

### نگاهی به داستان بورات

یک گزارشگر تلویزیونی بسیار معروف از کشور قزاقستان به نام «بورات ساجی یف» برای تهیه فیلم مستندی از زندگی فرهنگی آمریکاییان به کشور آمریکا سفر می‌کند؛ علت اصلی تهیه این فیلم، آشنایی مردم قزاقستان با فرهنگ مردم آمریکا و آموزش از آن است. این گزارشگر در اتاق هتل محل اقامتش به تماشای یک مجموعه‌ی معروف تلویزیونی به نام «بی واج» (Bay Watch)

می‌نشیند. او در همان لحظات اولیه‌ی تماشای این مجموعه‌ی تلویزیونی پربیننده، عاشق «پاملا اندرسون» یکی از بازیگران زن آن می‌شود. بورات برای دیدن پاملا سفری طولانی و پرماجرا را به کالیفرنیا آغاز می‌کند. در این سفر از او به عنوان یک قزاق تصویر فردی عقب‌افتاده، شهوت‌پرست، ضدفرهنگ و ... به نمایش گذاشته می‌شود در انتها ارمنان او برای هموطنان و کشورش، به جای فرهنگی پیشرفته‌تر، زنی بدنام و بدکاره است.

### تحلیل فیلم

فیلم بورات دنباله‌ی بر نمایش‌های تلویزیونی شخصیت اصلی آن - بورات - است و هدفی ضدفرهنگی را پیگیری می‌کند. این فیلم تلاشی است در جهت تحقیر ملتی که فرهنگی متفاوت از فرهنگ حاکم در کشور آمریکا دارد. کوهن و چارلز در ساخت این فیلم از الگوهای استفاده کرداند که در گذشته متداول بود؛ الگوی آمدن یک فرد از محلی یا فرهنگ ساده به مکانی با فرهنگ پیچیده، مانند آمدن یک روستایی به شهر. در چنین موقعیتی بطور قطع برای آن تازموارد ناشناخته‌های فرهنگی بسیار وجود دارد و برخورد‌های فرهنگی ایجادشده، موجب خلق فضایی کمیک و عبرت‌آموز می‌شود اما نوع نگاه سازندگان این فیلم باعث شده تا انعکاس این تقابل و تناقض فرهنگی غیرانسانی شود.

کوهن و سازندگان فیلم در واقع فرهنگ ملتی را به سخره می‌گیرند حقیقت این که شخصیت بورات نه آن که فقط با فرهنگ کشوری به اصطلاح متمدن‌تر از کشور خود ناآشنا نشان داده شود، بلکه چنین شخصیتی خود دارای فرهنگی اخلاق‌ستیز و غیرانسانی است. معمولاً افرادی که در محیط‌هایی با فرهنگ ساده‌تر زیست‌مندان هنگامی که در محیط جدیدی با فرهنگ پیچیده‌تر قرار می‌گیرند، بسیار محجوب‌تر و اخلاقی‌تر از هموعانشان در این محیط جدید رفتار می‌کنند.

اغراق‌ها در این فیلم آن‌چنان غلیظ است که آن را کاملاً غیرقابل باور می‌کند. چگونه می‌توان باور کرد که یک گزارشگر که می‌باید از گزارشگران

برجسته‌ی کشورش باشد تا از جانب مسئولان آن کشور جهت آشنایی با فرهنگ کشور دیگری مانند آمریکا به آن محل اعزام شود و قادر است زبان انگلیسی را بسیار قوی صحبت کند، هنوز با توالت‌فرنگی آشنا نباشد و آن را با کاسه‌ی دستشویی اشتباه بگیرد و یا با پدیده‌ی مانند آسانسور آشنا نشده باشد؛ به‌ویژه که در کشور قزاقستان ساختمان‌های ملرن مسکونی و تجاری بسیاری ساخته شده که حتی دیپلمات‌ها و تاجار خارجی قبل از ساخته شدن، آن‌ها را پیش‌خرید می‌کنند!

در این فیلم از زبان بورات نوشابه‌ی ملی مردم قزاقستان اذرار اسب عنوان می‌شود و موی بدن از جمله مهم‌ترین اقلام صادراتی کشور خوانده می‌شود. برعکس آن چه در فیلم گفته می‌شود، در این‌جا فقط به یک نمونه اشاره می‌شود که کشور قزاقستان یکی از صادرکنندگان مطرح محصول ارزنده‌ی چون گندم است.

قزاقستان کشوری است که هشتاد درصد مردم آن مسلمان هستند، احترام زیادی به سفره و نان درون آن می‌گذارند، مهمان‌نوازند، نماز جمعه را به صورت پرشور برگزار می‌کنند و نرخ باسوادی در آن‌جا ۹۹/۴ درصد است. در این کشور موزه‌های مردم‌شناسی و بیش از دو هزار مسجد وجود دارد و دارای مراکز علمی، دینی، فرهنگی، آموزشی و کتابخانه‌های فراوان است. فیلم هیچ اطلاعات و آگاهی درستی از کشور قزاقستان به بیننده ارایه نمی‌دهد تلاش سازندگان فیلم در این راستا بوده است تا با خندانن مخاطب، با هر وسیله‌ی ممکن حتی با اغراق‌های مسخره و نشان دادن شنیع‌ترین رفتارهای جنسی غیرانسانی، به هدف نهایی خود که بافرهنگ و مظلوم نشان دادن یهودیان و بی‌فرهنگ بودن سایر اقوام است، دست یابند.

در این فیلم حتی به نوع زندگی و فرهنگ آمریکایی‌ها هم زیاد رحم نمی‌شود؛ کافی است به گروه‌های مختلفی که بورات در بین راه نیویورک تا کالیفرنیا با آن‌ها برخورد می‌کند توجه کنیم، به‌طور مثال همجنس‌یازان که به دنبال استفاده‌ی جنسی از خود بورات هستند و یا کابوی‌ها که می‌خواهند در مراسم خود، بورات علیه ترورریسم صحبت کند



پلمبرقی، اشتباه گرفتن فضای اتاقک آسانسور با اتاق محل زندگی در هتل، برن مرغ در همه جا و از جمله داخل قطار برقی، توالی کردن کنار خیابان، شستن لباس در رودخانه‌ی شهری و نمونه‌های بسیار دیگر.

در این فیلم گذشته از ارایه‌ی صحنه‌های شیعی و زنده، تماشاگر شنونده‌ی دیالوگ‌های بسیار سخیف و آزاردهنده نیز است.

### رخداد‌های پی از نمایش فیلم

این فیلم به‌طور هم‌زمان در ۲۰ کشور دنیا و ۱۱۳۵ سالن سینما به نمایش درآمد و در کشور آمریکا با استقبال زیادی مواجه شد؛ در کشور انگلستان نیز با فروش خوبی مواجه شد و در همان دو هفته‌ی اول ۲۷ میلیون دلار فروش کرد. بورات از جمله پرفروش‌ترین فیلم‌های سال آمریکا شد و توانست جوایزی را نصیب خود کند. این فیلم حتی برای بازیگری کوهن - که حقیقتاً در خلق نقش خود درخشیده است - و فیلمنامه نامزد دریافت جایزه‌ی اسکار شد!

فیلم بورات در کشورهای بلغارستان، یونان و صربستان هم با فروش خوبی همراه بود، به طوری که در هر سالن نمایش فیلم این کشور در هفته‌ی نخست به‌طور متوسط ۱۶۹۰۰ دلار فروش کرد. با آن که در خود کشور قزاقستان اکران عمومی نداشت ولی تماشای آن با استقبال مواجه شد، به طوری که سایت خرید و فروش «آمازون» - مؤسسه‌ی جهانی توزیع محصولات مختلف فرهنگی - اعلام کرد که میزان سفارش‌های دریافتی این مؤسسه از کشور قزاقستان برای دی‌وی‌دی فیلم بورات، این کشور را در صدر فهرست خریداران این دی‌وی‌دی قرار داده است. راستی چرا یک فیلم ضداخلاق و مبتذل می‌تواند در دنیا با چنین اقبالی روبه‌رو شود؟ آیا این نتیجه‌ی فعالیت مافیای صهیونیستی حاکم بر هالیوود نیست که می‌خواهد با تهاجم به فرهنگ غنی ملت‌ها، اضمحلال آن‌ها را مطرح و جانشین کردن تفکرات صهیونیستی به جای آن را تبلیغ کند؟! ■

و شوهر نیز پر از مهربانی و خلوص نیت است؛ در مقابل برداشت و تفکر بورات و عظمت نسبت به این دو نفر نتیجه‌ی یک پیش‌نگری متعصبانه و نفرت‌انگیز است، به همین دلیل از خانه‌ی آن دو فرار می‌کنند و بورات به دنبال خرید اسلحه‌ی می‌گردد تا بتواند یهودیان را بکشد!

۲- ایجاد شبهه‌ی همانندی بین تروریسم و اسلام

در بخش دوم فیلم و هنگام حضور بورات در مراسم کابوی‌ها، در برخوردی که او با یکی از مسئولان این مراسم دارد، از زبان آن کابوی خطاب به بورات می‌شنویم که چهره‌ی او شبیه تروریست‌هاست و بلافاصله گفته می‌شود شبیه مسلمانان! نام دو شخصیت اصلی فیلم - بورات و عظمت - نیز ظاهراً از نام‌های مسلمانان کشور قزاقستان انتخاب شده است!

۳- خشونت؛ در همان ابتدای فیلم و معرفی محل زندگی بورات، با مهدکودک آن روستا آشنا می‌شویم. در این محل به بچه‌ها خشونت آموزش داده می‌شود و اسلحه‌وسلیه‌ی بازی این بچه‌هاست!

۴- روابط جنسی و نوع نگاه به جنسیت زن در سراسر فیلم تلاش می‌شود سکس برای مردانی چون بورات اولویت اصلی نشان داده شود و این امر مسئله‌ی عادی جلوه کند. بورات در همان بخش اول با صراحت، خود را علاقه‌مند به سکس معرفی کرده و به صورتی افتخارآمیز خواهرش را چهارمین زن بدکاره‌ی قزاقستان می‌نامد. او همچنین فرد دیگری از محل زندگی خود را به عنوان تجاوزگر حرفه‌ی جنسی معرفی می‌کند. بورات در پایان سفر به آمریکا و دیدن زن مورد علاقه‌اش - پاملا - قصد رویدن وی را می‌کند؛ حتی با زن مورد علاقه‌اش و در همان برخورد اولیه به شکلی خشن و غیرانسانی رفتار می‌کند. بورات زن را صرفاً به عنوان ابزاری جنسی می‌شناسد، آن‌ها را درخور تحصیل نمی‌داند و مغزشان را به اندازه‌ی مغز حیوانی چون سنجاب می‌داند.

۵- غیرمتمدنانه و گاه غیرانسانی نشان دادن فرهنگ غیرآمریکایی و غیریهودی

غیرمتمدنانه نشان دادن رفتار شهروندان کشوری مثل قزاقستان در سراسر فیلم به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به چشم می‌خورد، به طوری که این گونه رفتارها موجب آزار و رنجش سایرین می‌شود؛ از جمله در معرفی شخصیت‌ها و رفتارهای افرادی که در روستای بورات زندگی می‌کنند رفتار بورات با دیگران در کشور آمریکا، کوشش مفرط او در معرفی خود به سایرین در خیابان‌ها و داخل مترو و اصرار بر روبوسی با این افراد، نشانه‌ی دیگری از این تلاش است؛ هم‌چنین است برخورد بورات با مظاهر تمدن در این کشور، نحوه‌ی استفاده از

هم‌چنین می‌توان به زنان فمینیستی که با بورات مصاحبه می‌کنند اشاره کرد؛ البته در این‌جا موضع‌گیری‌های بورات نسبت به زنان بسیار افراطی و غیرانسانی است، در نتیجه برای مقابله با نظرات او، مواضع زنان فمینیست به نوعی ضروری نشان داده می‌شود.

سازندگان فیلم، مسیحیان را نیز بازیچه‌ی خود قرار داده‌اند بورات پس از بازگشت به روستایش می‌گوید که حالا ما دیگر مسیحی شدیم! (۱) و بلافاصله یک یهودی به صلیب کشیده‌شده توسط مردم روستا نشان داده می‌شود در این فیلم نشان دادن عبادت مسیحیان فقط به رفتار آن گروه از مسیحیان افراطی که فریب رهبران خود را می‌خورند و برای حل مشکلات خود در پی کسب معجزه هستند، محدود می‌شود.

البته هدف دیگر سازندگان فیلم را باید کسب پول بیان کرد؛ کسب پول با نمایش لودگی‌های مسخره و غیرانسانی، با تمسخر فرهنگ دیگران و به‌طور قطع آن‌ها در به دست آوردن درآمدهای هنگفت موفق بوده‌اند!

### اهداف اصلی فیلم

اهداف ضدانسانی و ضدفرهنگی فیلم را می‌توان حول پنج محور به شکل زیر مورد بررسی قرار داد:

۱- یهودستیز نشان دادن مردم عادی و مهربان نشان دادن یهودیان

در همان بخش آغاز فیلم با نشان دادن یک یهودی در هیبت مرغی بزرگ که اهالی او را اذیت می‌کنند و سپس تخم‌گذاری این مرغ و تلاش بچه‌ها برای از بین بردن این تخم و در نتیجه جلوگیری از تداوم نسل در بین یهودیان، هدف اصلی سازندگان فیلم مشخص می‌شود؛ بانیان فیلم قصد دارند یهودیان را افرادی نشان دهند که بی‌مورد تحت آزار دیگران قرار می‌گیرند. در همان بخش اولیه‌ی فیلم، بورات مشکلات کشورش را برمی‌شمارد. او سه مشکل اساسی را مطرح می‌کند و مشکل وجود یهودیان را در کنار دو مشکل اقتصادی و اجتماعی قرار می‌دهد.

در بخش دوم فیلم نیز در هنگام سفر به کالیفرنیا، «عظمت» می‌گوید که سفر با هواپیما خطرناک است، چون ممکن است هواپیما مانند واقعه‌ی یازدهم سپتامبر مورد هدف یهودیان قرار گیرد در واقع فیلمساز می‌خواهد نگاه نادرست دیگران را نسبت به مسببین واقعی آن حادثه نشان دهد نگاه نادرستی که ناشی از پیشداوری‌های آن‌ها نسبت به یهودیان است. در همین بخش دوم، خانه‌ی زن و شوهر یهودی که بورات و عظمت به آن‌جا می‌روند، بسیار مرتب، تمیز و دلنشین نشان داده می‌شود و رفتارهای این زن